

دانشگاه تهران در روز سه شنبه ۲۵ خرداد ماه ۱۳۲۵
من خود نوشتم.

رئیس - من از روی نظامنامه تجاوز نمیکنم
سعدالدوله - استدعا داریم آن فصل را
تغییر بدهید.

وثوق الدوله - خوبست که آنچه بایست
آن نوشته شود بنویسید و خوانده بشود بعد از
مذاکره هر کدام را وی داده بنویسید و جزو
نظامنامه کنید.

آقاسید مصطفی - خانم همان فصل بگوید
که لای الاقتضا تغییر میکند.

وثوق الدوله - میفرمایم بنیته لای الاقتضا
مست حالا بماند.

سیدالاحکما - من میگویم که بایست تمام
ادارات و وزراء در تحت حکم مجلس باشند و اینجا
حاضر باشند.

حاجی سید نصر الله - اینطور که شما
میگویید نیست.

میرزا محمود خوانساری - بنیتم حالا
مشود تغییر داد بماند.

آقاسید مصطفی - نمیگویم تغییر بدهید
بوجب همان خانه لای الاقتضا تغییر میکند.

محقق الدوله - شما کسی بوجب نظامنامه
عمل کردید که دیدید مقاسد دارد میفرماید تغییر
بدهید باید این نظامنامه یکی یکی از فصولش اعمال
و اجرا بشود هر جا که دیدید مقسده دارد او را
تغییر بدهید هنوز کاری نکرده میفرماید نظامنامه
که تازه رسیده است تغییر بدهید نمیتواند هر فرد
فرد بگوید ما میفرمایم و تغییر بدهید.

آقااملا حسن - شما چرا تغییر میکنید بآرامی
حرف بزنید.

سعدالدوله - لولا تغییر کردن شما برای
چست اینجا کسی نوگر کسی نیست میسوا و بنده حق
گفتگو دارند و تائید میفرمایم بنیتم این نظامنامه
را کی دیده است جمعی میگویند مافه بدهیم.

آقاسید حسین قلی زاده - من ندیدم
سعدالدوله - من که آدم گفتم نظامنامه
داخلی چطور شد گفتند دادیم چاپ کنند جمعی هم
بن گفت بودند که ما هیچ ندیده ایم.

صدیق حضرت - آن فصلی که شما میگویید
در نظامنامه اسماست.

(بعد آن فصل را خواند)

سعدالدوله - این مطلب را که اینجا فرشته
صیح است مثلا من در خانه خود نشسته ام خیال
میکند که راه آهنی از اینجا بزم بکنیم باید بیایم
چند نفر از کلا را با خود همزای و همدست بکنم
آن وقت عریضه بمجلس بدهیم ولی از برای مطالب
جاریه و عمومی نمیشود هر روز من و کلا را با خود
همدست بکنم و عریضه بمجلس بدهیم وقتی که در
مجلس نتوان آن مطالب مشود و چند نفر هم همراهند
ملاوات از جانب عموم است.

صدیق حضرت - بی بایست در نظامنامه این
قید را ذکر کنند.

حاجی محمد اوجمیل - حالا اگر نکرده
مگر خبری در لای

رئیس - این نمیتونه که کسی بدون اطلاع
و سابقه بنا بدرد مجلس و جوابه که او را مذاکره

سعدالدوله بنده بصدارت عرض کردم که
وزراء باید در مجلس حاضر بشوند برای این که
کار ایشان در این جاست و باید همراهی کنند حالا
اگر يك اختطاری بشود خودشان مقرر خواهند فرمود
که بیایند.

آقاسید حسین - مقرر شود که هر روز
حاضر باشند و آن فصل نظامنامه را هم تغییر بدهید
مقتضی است.

آقاسید مصطفی - خود خاتمه اش همین است
حاجی محمد قلی - چرا تغییر بدهند؟

آقا سید مهدی - کسی نکفت تغییر
نظامنامه بدهید.

آقا مهدی باقر - مطلب از دست رفت
جمعی میگویند که وزراء هر روزه بایست حاضر
بشوند و جمعی می گویند لازم نیست پس رای
بگیرید.

سعدالدوله - خبر این نیست کسی ن گفته که
حکماً تمام وزراء هر روز حاضر شوند.

مشهدی باقر - هر روز رای میگیرند آنوقت
میگویند که ما رای ندادیم این نظامنامه را خواندند
و همه رای دادید چرا خودتان را در یک رای برقرار
نمی دارید.

مخبر الملک - من این ایراد را بمجلس دارم
که آقا سید حسن تقی زاده چند وقت است که این
ایراد را می کنند اگر و کلا طهران حق داشتند
که شروع بکار نمایند و تاسیس قانون اصلی کنند
پس چرا می گویند که هنوز و کلای سایر ولایات
حاضر نشده اند و شاید آنها رای نمی دادند.

آقاسید حسن قلی زاده - من می گویم که
لازم بود يك فصلی برای و کلای سایر ولایات باقی
می گذاشتید که وقتی جمع شدند حق رای در آن فصل
داشته باشند.

مخبر الملک - اولاً همین فصل در نظامنامه
داخلی هست.

آقاسید حسن قلی زاده - نظامنامه اساسی
را می گویم.

مخبر الملک - در همان نظامنامه اساسی
نوشته است که و کلای ولایات و قتیکه جمع شدند
حق دارند بلاقتضای وقت تغییر فصلی از فصول
آنها بدهند.

آقا میرزا محسن - وقتی که تمام و کلای ولایات
آمدند حق دارند که این نظامنامه را لای الاقتضا
رأساً تغییر بدهند.

مخبر الملک - نامطلب تمام نشود کسی حق
ندارد که حرف بزند آن مطلبی را جناب آقاسید
حسن تقی زاده عنوان کرده بودند در چندین قبل
خواستم اظهار کنم و رای بفرمایم دیدم فملاصلاح
نیست و و کلا طهران هم حق دارند تا و کلا
ولایات حاضر نشده شروع بکار نمایند اما مطلب
یستخانه که فملا نهمی ندارد صحیح است باید در او
گفتگو کرد چه که باید کرد.

آقاسید حسین - یستخانه که ده ماه مرتباً کافد
بی تغییر می دهد و هیچ ترتیب ندارد این بی نظامیست
با قلب و مجلس حق دارد که مقشش بگذارد یا
نه از تاویخ چهاردهم که حال بلند از روی تقشش
جواب بدهند.

معمار باشی - نمی شود بی خود این حرف را
گفتگو کرد.

سعدالدوله - مطلب در اینجا در تاشد یکی
بی نظمی یستخانه یکی مسئله مقشش که ایشان گفتند
این مطلب را هم من کردار گفتیم که در کدام
دوائر دولتی فرنگستان مقشش ندارد مفرضین می-
گویند که آلف و الوف دخل دارد ولی در وقت
جمع می بینیم هیچ نیست اگر مقشش باشد دیگر
این حرفها نخواهد بود حال اگر مجلس تصویب
میکند بصدارت بنویسند که اداره تقشش از برای
کلیه دوائر معین فرمایند مجلس استدعا میکند که
این کار را زودتر اقدام نمایند که هر روز ضرر و
اهمیت کلی دارد.

رئیس - عرض میکنم که امور یستخانه و
گمرك جزو مالیه است حال که وزیر مالیه خودشان
بمجلس می آیند حضوراً در این باب با ایشان گفتگو
شود.

آقاسید حسین - این گفتگو با وزیر مالیه
در صورتی است که وزیر گمرك نداشته باشیم
امروز وزیر مالیه ما تابع گمرك است در این
صورت گفتگو با وزیر مالیه در این باب حاصل
نخواهد داشت.

وثوق الدوله مادامی که ما در امور جزئی
گفتگو کنیم انتهائی ندارد باید مذاکره در امور
کلیه کرد تا حاصلی داشته باشد که گمرك وزیر
می خواهد یا نمی خواهد و مقشش لازم دارد باندارد
این امور جزئی است باید در روضه ادوات گفتگو
کرد وقتی که آنها مرتب شد اینها جزواست.

حاجی معین التجار - اینها منافی نیست
وثوق الدوله - چرامنافی نیست.

حاجی معین التجار - امروز می گویند یستما
بی نظام است و عاریبی ندارد باید اینها رسیدگی شود
و دیگر از برای تقشش می گوئیم که مقشش لازم
است که در عایدات دولتی تقشش نباید تا وضع
ادارات مرتب شود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - قوانین تانوشته
بشود دو ماه طول دارد.

سعدالدوله - بلکه دوسال طول دارد
آقاسید حسین - اگر رای دارید از برای تقشش
رای بدهید
رئیس - رای نمی خواهد همانطور که گفتیم
پس فردا وزیر مالیه در مجلس حاضر می شود یا او
مذاکره نمایند.

پنجشنبه ۲۵ ذی القعدة

امروز بمناسبت وقوع فوت مظفر الدین شاه
ورعایت مراسم عزاداری مجلس تعطیل بود لیکن
برای ترتیب شرفیای هیئت کلا ملت بحضور شاه
تقدیم مراسم تعزیت بطور غیر رسمی و کلا حاضر شده و
در اینخصوص مذاکره کردند خطاب هائیکه باید
در موقع ملاقات شاه از طرف هیئت و کلا قرائت
شود خوانده شد و خطاب که حاجی سید نصر الله نوشته
بود مورد پسند واقع و مقرر شد که هیئت و کلا
اجماعاً عصر یکشنبه ۲۸ شرفیاب شده و مراسم تعزیت
و تسلیت از طرف مجلس بعمل آید.

صورت خطابه مزبور اینست
(گر از تحت بگذشت فرماندهی)
(برآمد جوان بخت شاهنشاهی)
(در این سوگ اگر دیده خون بار گشت)
(دل از گلیفی تازه گلزار گشت)
(درخت گلی گرفت از بوستان)
(بسا ناد خرم نهال جوان)
(قاما مضمی جبل و انقضی)
(فمنک لنا جبل قدم مضمی)
(فیا صارما اقمده ته ید)
(لنا بمدک الصارم المنتفضی)
هر چند در این مصیبت عظمی و داهیة کبری
کافه رها یا خون از دیده میبارند و بر سوگ یدر
تاجدار خود با ناله های جگر سوز میزنند لکن
از آنجا که خداوند رحمن برحمت واسمه و حکمت
بالقه بمصدوقه مانع من ایقوا نهنهانات بغیر منها
او مثلها ندارد که این مصیبت بزرگ را بوهیت
عظیمی بس سترک آنگونه تلافی فرموده که زبان و
بیان از ادای شکر و ثنا یی عاجز و قاصر است همان
بهتر که عامه خلائق در پیشگاه اسلامیان پناه اعلی حضرت
فخر قدرت کیوان رفعت شهریار گزفون اتته ارملاک
ملوک اقطار السلطان محمد علی شاه قاجار خلد الله ملکه
و ابدا سلطانه از مراسم سوگواری همان سنت استرجاع
و استرحام اکتفا نمایند و زیاده جزع و زاری نکنند که
شاهنشاه ماضی انارالله برهانه و رفع فی اصلی غرق
الجنان مقامه و مکانه اگر چه مرق خوش را از نمود
بیکر عطوفت منظر نهی ساعت لکن بعد الله سر بر
سلطنت و کاخ شهریاری را بوارت تاج و تختی پرداخت
که حقیقتش راهبتر آیت رحمت است و جایگاه نیاکش
را نیکوتر خلیفت بر حق .
(دوعالم را بدین یکجان سپرده است)
(چو جانش هست نتوان گفت مرده است)

مقرب که تغمهای کشته اش را بر سرهت برق و
شتاب شهاب با هیبت ملکانه و عزم خشروانه آبیاری کند
..... (۱) بارو
شود و اعضا آن آمال بهر مرز و بوم سایه حیوة افکند
هر چند مقدرات الهی را حکمتهای بی متناهی است لکن
ظاهرتر حکمتی که حادثه کنونی را ضمنی تواند بود
همین است که در اراده ازلی چنان رفته مگر خدایگان
معظم اعز الله امر و نصر لوائه را در تکمیل اقدامات
و تحصیل منویات یدروالاتبار در حصول این شرف بزرگ
اساسی سهم و شریک فرماید تا تاریخ این عصر فرخنده
قدر که منتجع عهد عدل و امن است بنام نامی ایندو
پادشاه معدلت دستگاه تا بیامت معطر بمانند و از
متون تواریخ ایام معو و منسی نگرند . اکنون
چیزیکه موجب تسلیت خواطر غمدیدگان و ما به
آرامش قلوب عموم ایرانیان است نهیت جلوس
میست مانوس و زیارت طلعت همیون و دعای دوام
دولت روز افزون است .
خدایا تو این شاه را یار باش
بدین پاک قصدش مدد کار باش
(۱) یک سطر مقرونیست .

فوت شاه در ساعت شش از شب چهارشنبه ۲۴ مهر
ذیقعدة الحرام اتطاق افتاد . در همان شب مراسم
تقسیل و تکفین و نماز اوجای آوردند .
بعد از فراغت از آداب در رسوم مزبوره شاه بو ذری
حاضر قریب باین مضمون خطاب کرد (بل من آنت که
این تکالیف هم را از کرم من برداشته و جنازه خسرو
منفور را همچنان که در خانه عمر وصیت فرموده اند
بگر بلای مللا روانه نمایند و طوری در این باب اقدام خود که
تا ازیل معرم منتفین این خدمت از اینجا حرکت
کرده و بزودی جسد مبارک را در آستان مقدس
آقای خودش حضرت سید الشهداء ارواح العالمین
فداء در خاک میارند)
و بمداد آن شب هیئت از علماء و عاظمادگان
و وزراء و قاجاریه برای تشییع در عسارت دولتی
حاضر شده صندوق جنازه را بشکبه دولت حمل نمودند .
در همان محل از روز پنجشنبه ۲۵ تا سه روز
مجلس سوگواری و معطل ترحیم و فاتحه و عثم قرآن
انقاد یافت . علما ملت و از کان مملکت در این سه
روز دسته دسته تسلیت شاه و ترحیم آموشد میکردند
در روز نخستین که علماء و وزراء برای تقدیم
تزییت بحضور شاه رفته بودند شاه حاضرین
را مخاطب ساخته بدینجمله نطق کرد (واقعا یدر
رؤف مهربانی از دست من و تمام ملت بیرون رفت)
حاضران از شنیدن این خطاب بانهایت افسوس و دردی
تمزیت و تسلیت گفتند بدیجات محلات دارالغلا باعلامات
عزا و بیره های سیاه موه کنان در تکیه دولت بر اثر
یکدیگر ایاب و ذهاب می نمودند و یکشنبه ۲۸
هنگام عصر و کلای مجلس مبعوثان از طرف ملت
و انجمن شوروی کبیر ملی در حضور شاه شرفیاب
شده سوگواری خود را با مروضات تزییت آمیز
تقدیم داشتند . از روزی که این واقعه اتفاق افتاد
سر در عسارت (بهارستان) را که مقام انقاد
(مجلس ملی) سیاه کرده جلسات مجلس را بطور
احترام و پاس هزاتسه نوبت انقاد تعطیل نمودند .

مذاکرات دارالشورای ملی
روز سه شنبه سلخ شهر ذی قعدة
آقا سید حسن - حالا که انتظار آمدن وزیر مالیه
است پس اگر لایحه هست بخوانند
رئیس - یک اعتبار نامه هست که معادن طارم
جناب آقا میرزا محمد صادق داده شده میخوانید
قرائت شود تا جناب وزیر مالیه بیایند
حاج محمد اسمعیل آقا - کلبه آمدن جناب
وزیر مالیه فقط برای عمل بودجه است دیگر کاری
بایشان ندارم لکن کارهای دیگر زیاد است مردم
از اطراف شکایت میکنند کار مجلس فقط اصلاح
بودجه نیست وزارتخانهها در داد رضی مردم بطور
سابق رفتار مینمایند پس باید اقدام در آن کارها
نمود و رقم ظلم کرد آمدن وزیر مالیه و اصلاح
بودجه یکی از آن کارها است تا کی باید منتظر
شد برای این یک کار
آقا سید محمد تقی - منالاتی ندارد این کارها
با کار دیگر همه باید اصلاح شود
حاج محمد اسمعیل آقا - مقصود بنده هم
همین است لکن مردم میگویند در وزارتخانهها متدبانه

همان کار عازا میکنند و دو تا پول فائمه نفاذ و
ابدأ خیال نکرده اند که این ترتیب بیان آمده
تسکلیت ایشان این است معلیح و مطاع باشد
ببیند این ها اصلاح میشود یا همانطور هما است
بهر طریق که صلاح میدانند رفتار نمایند با بدشروع
در کار کرد چه میفرماید .
جمعی گفتند صحیح است .
حاجی سید ابراهیم - کلبه باید قوانین در
این باب نوشته شود که همه مردم بدانند .
حاجی محمد اسمعیل آقا - فرار بود از مجلس
چیزی بقام مسدات نوشته شود که در اداره
یست و کمرا که سال دولت است مفتش بگذرانند
چه شد ؟
رئیس - بله نوشته شد لکن برای پیش
آمدن این ترتیب جواب آن هنوز فرسیده .
حاجی محمد اسمعیل آقا - جواب آن
ذیر نشده هنوز نباید مطالبه جواب کرد .
رئیس - گمان نمیکم دیر شده باشد باین
اتفاقی که افتاده است .
سعدالدوله - آن امتیاز نامه که فرمودید
در باب معادن چیست ؟
رئیس - امتیاز معادنی است در خلخال و
طارم داده شده باین امتیاز نامه حاضر است صلاح
باشد بخوانند .
سعدالدوله - آن امتیاز که در سابق داده
بودند محل گفتگو بود چه شد که قرار بود صدیق السلطان
و شیخ البک و پسر کتابچی بیایند و مذاکره
شود پس خوست بفرمائید یک چیزی بنویسند .
رئیس - صدیق السلطنه اظهار کرده بود
روزی را بیاید حالا می نویسم حاضر شوند .
آقا سید محمد تقی - لایحه که وزیر معادن
در باب معادن طارم و خلخال نوشته بود قرائت
می نماید .
سعدالدوله - این خیلی خوب است و باید مدانه
بشود از این گذشته فصل هفتم آن مفادرت دارد
با امتیاز نامه بانک ملی باید در کمیسیون چندین
مرتب خوانده شود بعد از آنکه دقت شد بان آخر
رسید باید بیانک ملی تکلیف شود اگر قبول کرد
بسیار خوب چون این قبیل امتیازات را دولت
بیانک داده علاوه این طور خواندن هم از وقت
مجلس میگذرد باید این رقم امتیازات را صاحبانش
چاپ کرده باهضاه بدهند هر کس دقت و
تفکر کند
آقا سید حسن - همانطور که حاج محمد اسمعیل
آقا گفتند باید کارها مرتب باشد در باب اصلاح
بودجه از فراریکه اعلی حضرت اقدس فرمودند با
کوشش کرد در اصلاح آن وطوری باشد که صدای
تمام اهالی مملکت بلند نشود و دیگر آنکه وزارت
هدلیه ترتیبش همین است که با مردم رفتار میشود
یا باید تغییر داده شود که راحت باشند
سعدالدوله - کرا از این مطلب مذاکره
و هر وقت بوزراء میگویند جواب میدهند =
باید قانون وزارتخانهها نوشته شود از آن روز را
نمایند لکن این مطلب بیگناه و دوامه تمام نمید
کمیسیونهای متعدد لازم است هیچکس بی پول خد
نمیکند همه مواجب میخوانند یکی از مطالب
باید جناب رئیس از او اهتمام داشته باشد این